

بررسی مؤلفه‌های ازخودبیگانگی در داستان‌های کودک و نوجوان

دکتر محمدحسن کریمی* مختار ذاکری*

دانشگاه شیراز

چکیده

یکی از موضوع‌های اساسی دنیای مدرن، ازخودبیگانگی است که در این مقاله، به بررسی این مسئله در داستان‌های کودک و نوجوان پرداخته شده است. در این پژوهش، با رویکردی غیرپدیدایشی، مؤلفه‌های ازخودبیگانگی در داستان‌های یادشده، بررسی و روندهای ازخودبیگانگی مطرح‌شده در این داستان‌ها مشخص شده است. همچنین، همانندی‌ها و ناهمانندی‌های داستان‌های دو گروه سنی کودک و نوجوان، در طرح این موضوع، مورد مطالعه قرار گرفته است. برای داده‌یابی، پژوهش‌گر از روش اسنادی و به‌منظور داده‌کاوی، از روش تحلیل محتوای قیاسی و استقرایی مایرینگ بهره گرفته است. نمونه، از نوع هدفمند بوده که شش داستان را شامل می‌شود. نتایج نشان داد که در این داستان‌ها، مؤلفه‌های ازخودبیگانگی وجود دارد که بسامد آن در داستان‌های نوجوان، بیش‌تر است. روندهای ازخودبیگانگی مشاهده شده در این آثار عبارتند از: گذار از روح فردی به جمع‌گرایی افراطی و گذار از روح جمعی به فردگرایی افراطی. در داستان‌های نوجوان هر دو روند و در داستان‌های کودکان تنها روند نخست مشاهده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ازخودبیگانگی، داستان‌های کودک و نوجوان، مؤلفه‌های ازخودبیگانگی.

۱. مقدمه

یکی از عمده‌ترین مسائلی که همواره برای انسان مطرح و دغدغ‌های فکری بشر در طول تاریخ بوده است، مفهوم «خود» است. بحث‌های انسان‌شناختی مانند خودشناسی،

* استادیار فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز karimivoice@gmail.com

* کارشناس ارشد فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز mokhtarzakeri@yahoo.com

خوددایابی، خودفراموشی، بی‌خویشتنی، خودمحوری و ... همواره مطرح بوده است؛ که آثار به‌جامانده از برجسته‌ترین متفکران تاریخ تفکر بشری، مؤید این مطلب است. در جوامع کنونی، خطر بزرگی، نوع انسان را تهدید می‌کند و روزبه‌روز دامنه‌ی آن در حال گسترش است. این بحث که زیر عنوان از خودبیگانگی مطرح است، یکی از موضوعات بسیار برجسته و پدیده‌ای شایع، در جامعه‌ی معاصر به شمار می‌رود. این اندیشه از سوی بسیاری از فیلسوفان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، داستان‌سرایان، شاعران و فیلم‌نامه‌نویسان و متفکران مذهبی، واکاوی شده است.

انسان مدرن در شرایطی می‌زید که عقلانیت، وجه غالب آن است؛ اما در عین حال فاقد نیروی تعقل است. همه‌چیز حتی خوب و بد، زشت و زیبا، از پیش تعریف شده است و بنابراین طراحی‌های از پیش به‌انجام‌رسیده، بر زندگی افراد حکم فرماست. تنها کاری که فرد باید انجام دهد، گام‌نهادن در این مسیر از پیش معین است. حتی برنامه‌ی تفریحی و شیوه‌های گذراندن اوقات فراغت فرد نیز در قالب بسته‌های آماده، به وی ارائه می‌شود (میلز، ۱۳۶۰: ۲۵۸-۲۶۰)؛ که در این میان، رسانه‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

ماشینی که برای خدمت به هدف‌های انسان به وجود آمده است، دارای چنان قدرتی شده که در برابر خواست و اراده‌ی او مصونیت پیدا کرده و بر وی غلبه کرده است و به طور مستقل راه خود را می‌پیماید. زندگی و حیات انسانی بیش از آن که خود هدف باشد به صورت ابزار درآمده است به همین سبب است که پانهایم سخن از افزاروارگی یا ابزاری شدن زندگی می‌کند و درباره‌ی پیامدهای آن چنین می‌گوید: «افزاروارگی فزاینده‌ی زندگی، نگرش حساب‌گرانه را در برابر طبیعت و جامعه، موجب شده و رشته‌های همبستگی را با آن‌ها گسسته است. این شرایط به این حکم قطعی منتهی می‌شود که انسان در عصر تکنولوژی به ورطه‌ی بیگانگی از خویشتن، کار، جامعه و طبیعت فرو افتد» (پانهایم، ۱۳۸۷: ۶۳-۶۴).

طرح این مفهوم از جنبه‌های مختلف فلسفی، جامعه‌شناسی، روانی، مذهبی، هنری و سیاسی، باعث شده تا بلونر^۱ این چنین نتیجه بگیرد: «چندوجهی بودن این مفهوم بر پیچیدگی و آشفتگی معنایی آن، افزوده است» (بلونر، ۱۹۶۴: ۱).

¹ Blauner

این مفهوم به‌طور جدی، از سده‌ی هجدهم، با نقد روسو از جامعه‌ی مدنی که جان لاک مطرح کرده بود، آغاز شد و سپس فیخته،^۱ شیلینگ^۲ و هگل،^۳ آن را با عنوان بیگانگی ذهن، طرح کردند. بعد از هگل، فوئر باخ از خودبیگانگی را از حوزه‌ی متافیزیکی به حوزه‌ی مردم‌شناسی وارد ساخت.

بحث از خودبیگانگی با مارکس شکوفا می‌شود؛ وی، شرایط کارگر در نظام سرمایه‌داری را معرف وضعیت انسان از خودبیگانه می‌داند. برای مارکس، ازدست‌دادن «خود» در اشیایی که او تولید می‌کند، از خودبیگانگی اولیه است (هاماند،^۴ ۱۹۶۵:۳). زیمل، مارکوز، فروم و هایدگر، از جمله متفکرانی هستند که بحث‌های جامعه‌ی را در زمینه‌ی پدیده‌ی از خودبیگانگی، مطرح کرده‌اند. از میان پژوهشگران اخیر، می‌توان به ریچارد اسمیت، پاپنهایم، شوارتز^۵ و ویزکاپف،^۶ اشاره کرد که بیش‌تر هدفشان توسعه‌ی نظریات موجود، در زمینه‌ی از خودبیگانگی بوده است.

یکی از قشرهایی که به میزان زیادی در معرض عوامل جدید بیگانه‌ساز جامعه قرار دارند، کودکان هستند. زمان زیادی از وقت کودکان به تماشای برنامه‌های تلویزیونی و بازی با اسباب‌بازی‌هایی که تنها بر مبنای سود تجاری طراحی می‌شوند و ظاهر فریبنده‌ای دارند، می‌گذرد. از طرفی عقلانیت افراطی دنیای بزرگ‌سالان، آنان را نیز دربرگرفته است و بیش‌تر لحظات زندگی‌شان از روی برنامه‌هایی که بزرگ‌سالان برایشان تدارک دیده‌اند، می‌گذرد. آزادی کودکان به خطر افتاده است و پیوسته تحت هدایت و تعیین‌شدگی از سوی بزرگ‌سالان قرار دارند. حتی در انتخاب اسباب‌بازی هم آزادی عمل ندارند. کم‌تر درباره‌ی وجود منحصربه‌فرد برای کودکان، سخن گفته می‌شود و آنان بیش‌تر به عنوان موجود ناتوانی در زیر سایه‌ی بزرگ‌سالان تلقی می‌شوند. این‌گونه مسائل، نشان از مطرح‌بودن مسئله‌ی از خودبیگانگی درباره‌ی کودکان دارد. نوجوان نیز علاوه بر مسائل ذکر شده با پدیده‌ی بحران هویت در آغاز سن بلوغ روبه‌رو است.

^۱ Fichte

^۲ Schelling

^۳ Hegel

^۴ Hammond

^۵ Schweitzer

^۶ Weiskopf

در داخل کشور، کسان‌ی همچون، محسنی تیریزی (۱۳۸۱)، روشن (۱۳۸۶)، ایمان (۱۳۷۷)، بشیری (۱۳۸۴) و صبری‌دشتی (۱۳۸۴)، به بررسی این مفهوم پرداخته‌اند که کارشان بیش‌تر در قالب پارادایم کمی بوده و آن‌چه مربوط به پارادایم کیفی است، بیش‌تر مروری بر پیشینه‌ی تاریخی این مفهوم بوده است، تا اینکه مفهوم جدیدی در راستای توسعه‌ی آگاهی نسبت به پدیده‌ی ازخودبیگانگی، ارائه دهند. از طرفی، نگاه تربیتی مهمی درباره‌ی این مفهوم از سوی پژوهش‌گران داخلی صورت گرفته است. به‌طور کلی، نگاه تربیتی به مسئله‌ی ازخودبیگانگی کم‌تر صورت گرفته است. این در حالی است که لزوم بررسی این مفهوم در حوزه‌ی تعلیم و تربیت، بیش‌از پیش لازم به نظر می‌رسد؛ چون این شیوه‌های تربیتی است که فرد را صاحب اندیشه و منتقد، پرورش داده و یا این‌که وی را موجودی منفعل و مقلد بار می‌آورد. این به‌ویژه در نظام تربیتی ما که کم‌تر مؤلفه‌های تفکر انتقادی در آن به چشم می‌آید، نیازمند توجه بیش‌تری است. با توجه به ظرفیت ادبیات کودک در زمینه‌ی هشداردهی نسبت به پدیده‌های رایج در اجتماع، نگارندگان کوشیده‌اند مفهوم ازخودبیگانگی در داستان‌های کودک و نوجوان را بررسی کنند تا از این طریق از ظرفیت ادبیات کودک، برای آگاهی‌دهی نسبت به پدیده‌ی رایج از خودبیگانگی، بهره‌ی لازم به نظام آموزشی رسانده شود.

۲. اهداف پژوهش

۱-۲. هدف اصلی

هدف اصلی پژوهش‌گر این است که مؤلفه‌های ازخودبیگانگی در داستان‌های کودک و نوجوان بررسی کند و آثاری را که به این موضوع پرداخته‌اند تحلیل و معرفی کند.

۲-۲. هدف‌های فرعی

پژوهش‌گر در پی آن است تا مشخص سازد، میان طرح عنصر از خودبیگانگی در داستان‌های گروه سنی کودک و نوجوان چه همانندی‌ها و ناهمانندی‌هایی دیده می‌شود. همچنین روندهای ازخودبیگانگی در داستان‌های کودک و نوجوان را تبیین شود.

۳. پرسش‌های پژوهش

۱. به کدام مؤلفه‌های از خود بیگانگی در کتاب‌های کودک و نوجوان پرداخته شده است؟
۲. آیا میان طرح عنصر از خود بیگانگی در گروه سنی کودک و نوجوان، همانندی‌ها و ناهمانندی‌هایی دیده می‌شود؟
۳. روندهای از خود بیگانگی در داستان‌های کودک و نوجوان کدامند؟

۴. تعریف‌های مفهومی

۴-۱. از خود بیگانگی

تعریف‌های گوناگونی از مفهوم از خود بیگانگی شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: روسو آن را به معنای واگذاشتن آزادی فرد در اختیار دیگری و دور شدن از وضعیت طبیعی، به کار می‌برد (کولتی، ۱۳۷۸: ۲۳).

از نظر هگل، جهان شناخته‌ها که محصول کار انسان بوده و از وی جدا می‌شود، وجود مستقل یافته، تحت حاکمیت نیروها و قوانین مهار نشده‌ای قرار می‌گیرد؛ به سخن دیگر، جهان خارجی که ساخته و پرداخته‌ی ذهن است، خود را از نفوذ جهان درونی که همان اندیشه است، کنار کشیده و در برابر نیروهای درونی انسان، واقع می‌گردد (هاماند، ۱۹۶۵: ۵).

از خود بیگانگی در بحث‌های مارکس تحت عنوان «کار بیگانه‌شده» مطرح می‌گردد؛ کار بیگانه‌شده اشاره به کاری تحمیلی و اجباری است که از آن کارگر نبوده، نیاز درونی کارگر را برآورده نساخته و صرفاً برای نیازهای خارجی است؛ چهار حالت از خود بیگانگی شامل بیگانگی از محصول، فرایند تولید، نوع انسانی و انسان از انسان، ایجاد می‌شود (مارکس، ۱۳۷۸: ۱۳۲).

بر اساس نظر فریره در حالت از خود بیگانگی، مرکز کنترل اعمال از فرد خارج شده، در اختیار یک نیروی خارجی قرار می‌گیرد (فریره، ۱۳۵۸: ۳۵).

اما تعریفی که جامع‌تر از سایر تعاریف و مورد نظر پژوهش‌گر است، مربوط به دیدگاه اریک فروم درباره‌ی این مفهوم است. از نظر فروم، بیگانگی حالتی است که فرد تحت تأثیر نیروی بیرونی یا تمایلات درونی که متوجه هدف‌های بیرونی است، شخصیت خود را به منزله‌ی کانون اعمال خویش از دست می‌دهد؛ نفس و خود درونی

برایش مفهومی نداشته؛ خود را عامل فعال نیروها و موهبت‌ها نمی‌داند؛ بلکه خود را شیئی بینوا تلقی کرده که به قدرت‌های خارج از خود وابسته است که جوهر هستی خویش را به آن‌ها واگذار کرده است. اندیشه‌ورزی، خلاقیت و حرکت آزاد از فرد گرفته شده، فرد تبدیل به موجودی منفعل، غیرمولد و بی‌قدرت تبدیل گردیده، حس من‌بودن را از دست می‌دهد. احساس ناامنی، نارضایتی، بی‌زاری و نگرانی در وی تشدید می‌شود و یکی از دو بعد عقلانیت یا حساسیت در فرد قوت می‌گیرد و بعد دیگر کم‌رنگ می‌شود (فروم، ۱۳۵۷: ۱۳۵-۱۳۷).

۲-۴. مؤلفه‌های از خودبیگانگی

به منظور استخراج مؤلفه‌های از خودبیگانگی، پژوهش‌گر به مطالعه‌ی روند تاریخی دیدگاه‌های اندیشمندان این حوزه پرداخته که حاصل این بررسی مؤلفه‌هایی به شرح زیر است:^۱ این مؤلفه‌ها که در واقع اندیشه‌ی اصلی متفکران این حوزه را بیان می‌کند، دربرگیرنده‌ی ملاک‌هایی بوده که بیان‌کننده‌ی حالات فرد از خودبیگانه است.

نام مؤلفه	صاحب‌نظر	تعریف مؤلفه
تعیین‌شدگی	دورکیم	فرد در حکم چرخ‌دنده‌ای از یک ماشین بزرگ است که همیشه در مسیری ثابت که از سوی نیروی خارجی، تعیین و به وی تجویز می‌شود، گام برداشته و دست به عمل می‌زند، وظایفش مشخص است و خود قادر نیست این ساز و کار را به گردش درآورد یا متوقف سازد. توقف یا تداوم از سوی نیروی بالادست تعیین می‌شود (دورکیم، ۱۳۵۹).
ماده‌زدگی	هربرت مارکوز	دست‌آوردهای بشری، کارکرد خود را از دست می‌دهند؛ ارزش‌ها تضعیف شده و به همه‌چیز از دید سود عملی و فایده‌ی مادی آن نگرسته می‌شود و ساحت درونی فرد، از فعالیت باز می‌افتد و انباشت سرمایه، عامل اصلی حرکت فرد می‌شود (مارکوزه، ۱۳۵۰).
پذیرش بی‌چون و چرا	هربرت مارکوز	فرد در برابر وضع موجود، واکنش و مقاومتی از خود نشان نداده، منفعل می‌گردد و تن به سازگاری با اوضاع موجود می‌دهد و در برابر واقعیت‌های زندگی تسلیم می‌شود؛

ایستادگی نکرده و عقب‌نشینی می‌کند و شناخت نادرست ذهن خود را حقیقت می‌پندارد (مارکوزه، ۱۳۵۰).		
فرد وجود منحصر به فرد خود را از دست داده، مفهوم ضمیر شخصی برایش بی‌معنا می‌شود. در میان جماعت سقوط کرده و در آن غرق می‌شود و با دیگران همسان می‌گردد. در این شرایط، فرد متعهد به خویش شدن نیست و بایستی دنباله‌روی انتخاب دیگران باشد. هر، کس، یک دیگری است و هیچ‌کس خودش نیست (مک کواری ۱۳۷۷: ۱۱۸-۱۱۹).	مارتین هایدگر	توده‌ای شدن

۵. روش پژوهش

این پژوهش در قالب پارادایم کیفی انجام شده است. طرح پژوهش، طرحی غیرپیدايشی است؛ زیرا مؤلفه‌ها از پیش مشخص شده‌اند. در این طرح، پژوهش‌گر، ضمن بهره‌گیری از روش‌های داده‌یابی و داده‌کاوی کیفی، نخست به جمع‌آوری داده‌ها و سپس به تحلیل داده‌ها می‌پردازد (میکات، ۱۹۶۴).

در این پژوهش واحدهای تحلیل جمله‌ها، پاراگراف‌ها و کل اثر است. درباره‌ی کل اثر، پژوهش‌گر مؤلفه‌هایی را که در متن داستان نهفته است، بیان کرده تا مشخص شود که اندیشه‌ی اصلی نویسندگان داستان‌های موردبیت درباره‌ی چه مؤلفه‌هایی است و در قسمت پاراگراف‌ها و جمله‌ها به بیان عبارت‌های متنی که شاهد این مؤلفه‌ها بوده، پرداخته است.

پژوهش‌گر به عنوان ابزار پژوهش و به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از روش اسنادی استفاده کرده است. در پژوهش کیفی، پژوهش‌گر هم به عنوان گردآورنده‌ی داده‌ها و هم به عنوان گوینده‌ی معنای داده‌ها ایفای نقش می‌کند (میکات و مورهاوس، ۱۹۹۴: ۴۶).

رویکرد تحلیل داده‌ها، رویکردی توصیفی-تفسیری است. این رویکرد، مستلزم حدودی از تفسیر و نیز پیش از آن انتخاب اطلاعات است و اگرچه توصیف هدف در آن مهم است؛ اما برخی از توصیف‌ها در این رویکرد به سمت تفسیر و تأویل می‌رود

¹ Maykut & Morhouse

که ما در این پژوهش از این رویکرد استفاده می‌کنیم (بلنکی^۱، ۱۹۹۲: ۱۲۲؛ نقل از: میکات و مورهاوس).

برای پاسخ به پرسش اول، از روش تحلیل محتوای قیاسی استفاده شده است. در توضیح این روش باید گفت که مایرینگ^۲ (۲۰۰۰) دو نوع الگو را برای تحلیل محتوای کیفی، شامل الگوی استقرایی و الگوی قیاسی مطرح می‌سازد. در الگوی استقرایی، پژوهش‌گر مؤلفه‌ها را استخراج می‌کند. کاربرد الگوی قیاسی بر مبنای مقوله‌های از پیش تنظیم شده که به‌طور نظری استخراج شده‌اند صورت می‌پذیرد. پژوهش‌گر در کاربرد این الگو، مقوله‌ها را در ارتباط با متن بررسی می‌کند. ایده‌ی اصلی در کاربرد این الگو این است که تعریف‌های صحیح، مثال‌ها و قانون‌های کدگذاری، برای هر مقوله‌ی استقرایی و شرایطی که هر یک از عبارات متنی می‌تواند با یک مقوله، کدگذاری شود، به‌طور دقیق تعیین می‌شود. مرحله‌ی کیفی تحلیل محتوا یک عمل کنترل‌شده‌ی روشمند از مقوله را به یک عبارت متنی دربرمی‌گیرد.

برای پاسخ به پرسش دوم، درون‌مایه‌ها و ساختار آثار، مقایسه، و در ارتباط با گروه سنی مخاطب (کودک یا نوجوان) بررسی می‌شوند. در پاسخ به پرسش سوم، پژوهش‌گر از روش تحلیل استقرایی (مایرینگ، ۲۰۰۰) استفاده کرده است.

۶. روش نمونه‌گیری

برای انتخاب نمونه‌ی پژوهش، از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در این راستا پژوهش‌گر عمداً بر روی داستان‌هایی متمرکز شده است که به‌طور مشخص مقوله‌ی از خودبیگانگی را دربرمی‌گیرد. از این‌رو، با بهره‌گیری از دیدگاه‌های سه صاحب‌نظر حوزه‌ی ادبیات کودک^۲، داستان‌های کودک و نوجوان که به مقوله‌ی از خودبیگانگی پرداخته‌اند، مشخص شد. این کتاب‌ها عبارتند از: *کوه‌های سفید*، شهر طلا و سرب، برکه‌ی آتش، مومو، اما فردیناند این کار را نکرد، روزی که زرافه‌ی من گلو درد شد.

¹ Belenki

² Mayring

۷. تحلیل و بررسی

۱-۷. کوه‌های سفید

۱-۱-۷. خلاصه‌ی داستان

سه شخصیت اصلی این داستان، ویل، بین‌پل و هنری هستند که همه نوجوانند. ویل، دوران کودکی‌اش را با جک، پسرعمویش و هنری می‌گذرانند. ارتباط ویل با جک تا زمان کلاهک‌گذاری بسیار عمیق است؛ اما بر اثر فرایند کلاهک‌گذاری، که در آن فرد مطیع و فرمان‌بردار اربابان می‌شود، جک وارد دوران بزرگ‌سالی شده و فرهنگ بزرگ‌سالان بر وی غالب می‌شود و از این‌رو رابطه‌اش با ویل به هم می‌خورد. در همین زمان، فردی به نام اوزیمان‌دیس، وارد دهکده می‌شود و ویل را با افرادی که در کوه‌های سفید می‌زید، آشنا می‌کند. ویل به آن‌ها علاقه‌مند می‌شود و دهکده‌ی خود را به مقصد کوه‌های سفید ترک می‌گوید. هنری نیز پنهانی، همراه جک به راه می‌افتد. این دو با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شوند که در یکی از گرفتاری‌هایشان با پسر باهوشی به نام بین‌پل روبه‌رو می‌شوند. این سه، پس از طی مسیری پرماجرا به قلعه‌ی برج سرخ می‌رسند. ویل تصمیم می‌گیرد در قلعه کنار آلویین بماند. هنری و بین‌پل قلعه را ترک می‌کنند. ویل متوجه می‌شود که تمام افراد قلعه، شیفته‌ی اربابان شده‌اند. از این‌رو، قلعه را ترک کرده و به سمت کوه‌های سفید به راه می‌افتد. ویل گرفتار یک سه‌پایه می‌شود. سه‌پایه در بدن ویل یک ردیاب کار می‌گذارد. ویل به هنری و بین‌پل می‌پیوندد و بین آن‌ها و سه‌پایه درگیری ایجاد می‌شود که منجر به نابودی سه‌پایه می‌گردد. سه‌پایه‌های دیگر، پسرها را تعقیب می‌کنند. پسرها بعد از این‌که از دست سه‌پایه‌ها فرار می‌کنند، به سمت کوه‌های سفید راه می‌افتند و به مردمی که در آن‌جا هستند، می‌پیوندند.

۱-۲. کل متن

در این داستان به مؤلفه‌های از خود بیگانگی زیر پرداخته شده است: ماده‌زدگی، پذیرش بی‌چون و چرا، توده‌ای شدن، تعیین‌شدگی

پاراگراف‌ها:

نام مؤلفه	عبارت متنی
پذیرش بی چون و چرا	آدم درباره‌ی چیزهایی که به کلاهک‌گذاری مربوط می‌شد فکر نمی‌کرد. درباره‌ی آن‌ها حرف هم نمی‌زد.
پذیرش بی چون و چرا	مردم، آوارگان را به سادگی می‌پذیرند و از آن‌ها مراقبت می‌کردند ولی درباره‌ی این مسئله هم، مثل کلاهک‌گذاری هیچ‌وقت حرف نمی‌زدند.
توده‌ای شدن	او، یک مرد شده بود و فوراً وظیفه‌ی یک مرد را بر عهده می‌گرفت و دستمزد یک مرد را می‌گرفت.
توده‌ای شدن	من ترس‌های نخستینم را فراموش کردم و حسرت او را خوردم و فکر کردم که سال دیگر من هم آن‌جا خواهم بود: یک مرد.
پذیرش بی چون و چرا، تعیین‌شدگی	شاید در همه‌جا و تقریباً همه‌ی پسرها، شک داشتند اما درباره‌ی آن صحبت نمی‌کردند چون مسئله‌ای بود که نمی‌بایست درباره‌اش حرفی زده شود.
تعیین‌شدگی	هرگز کسی به شهرهای بزرگ متروک نزدیک نمی‌شد اما این روش، زاده‌ی وجود کلاهک و سه‌پایه‌ها بود. ما که کلاهک نداشتیم.
پذیرش بی چون و چرا	آن‌ها رسم و آیین دیگری دارند؛ اما از سه‌پایه‌ها فرمان می‌برند. آن‌ها هم مطیع سه‌پایه‌ها هستند.
توده‌ای شدن، تعیین‌شدگی	فرض بر این بود که بعد از آن، وقتی ناآرامی‌های دوران بچگی ما از بین برود، به خانه‌هایمان برمی‌گردیم و آن جور زندگی را که از هر مردی انتظار می‌رود آغاز می‌کنیم.
توده‌ای شدن	فکرهای وحشت‌انگیزی توی سرم می‌چرخید و از همه مهم‌تر، وحشت از این که تا چه حد به سقوط نزدیک شده بودم. سقوط و نه یک فروافتادن ساده.

جمله‌ها

نام مؤلفه	عبارت متنی
پذیرش بی چون و چرا	کلاهک وسیله‌ای است که انسان را رام و مطیع می‌کند.
توده‌ای شدن	هر امتیازی که به من داده می‌شد، باز هم یک گوسفند بودم، در کنار گله‌ی گوسفندان.

۲-۷. شهر طلا و سرب

۲-۷-۱. خلاصه داستان

در این داستان که در ادامه‌ی داستان قبلی است، دو شخصیت اصلی دیگر به نام‌های یولیوس و فریتس به شخصیت‌های اولیه‌ی داستان اضافه می‌شوند. یولیوس، رئیس افرادی است که در کوه‌های سفید زندگی می‌کنند. وی نقشی شکست‌دادن سه‌پایه‌ها را می‌کشد. برای این کار لازم است افرادی به دورن شهر اربابان راه یابند. هر ساله، مسابقه‌ای انجام می‌گیرد که برندگان آن می‌توانند، وارد شهر سه‌پایه‌ها شوند. ویل، فریتس و بین‌پل، برای مسابقه انتخاب می‌شوند. فردی به نام اولف، مسئول رساندن آن‌ها به میدان مسابقه می‌شود. ویل و بین‌پل در اثر اتفاقاتی، از قایق جا می‌مانند. این دو پس از گذارندن مسیر سختی به میدان مسابقه می‌رسند. ویل و فریتس با برنده‌شدن در مسابقه به شهر اربابان راه می‌یابند و می‌توانند اطلاعات زیادی را به دست آورند. ویل با کمک فریتس شهر را ترک می‌کند. بین‌پل که خارج از شهر منتظر مانده است، ویل را از غرق شدن نجات می‌دهد. این دو پس از این که مدتی منتظر فریتس می‌مانند به کوه‌های سفید باز می‌گردند تا اطلاعات کسب‌شده را در اختیار دیگران قرار دهند.

۲-۲-۷. کل متن

در این داستان به مؤلفه‌های از خود بیگانگی زیر پرداخته شده است: پذیرش بی چون و چرا، تعیین‌شدگی

پاراگراف‌ها:

نام مؤلفه	عبارت متنی
پذیرش بی چون و چرا	به جز گروه کوچکی از انسان‌ها که در کوه‌های سفید زندگی می‌کنند بقیه‌ی آدم‌ها، مطیع سه‌پایه‌ها هستند و شکایتی هم ندارند.
پذیرش بی چون و چرا	همه‌ی مردم این شکل زندگی را بی‌چون و چرا می‌پذیرفتند و چیزی کاملاً عادی می‌دانستند.
پذیرش بی چون و چرا	در رأس همه‌ی گروه‌ها، یک نفر بود که تمام سرنخ‌ها را در دست داشت و تصمیم‌هایش بی چون و چرا پذیرفته می‌شد.
تعیین‌شدگی	وقتی گفتم کار یعنی کار. و در این ملت دو نفر زیر عرشه، دراز می‌کشند و

	حتی وقتی قایق دارد غرق می‌شود، نباید بیرون بیایند. به نظرم رعایت نظم را به شما یاد داده باشند. بنابراین من دیگر حرفی ندارم.
پذیرش بی‌چون و چرا	تسلط سه‌پایه‌ها بستگی داشت به این که انسان‌ها بردگی را بپذیرند. برای این منظور کافی بود که دو یا سه انسان که در محلی با هم زندگی می‌کنند، کلاhek را بپذیرند و وجود آن را اجباری و ضروری تصور کنند.
پذیرش بی‌چون و چرا	من گاه‌گاهی سه‌پایه‌ها را می‌بینم. به نظر من، آن‌ها محصول زمین را از بین می‌برند اما راهی برای جلوگیری وجود ندارد.
پذیرش بی‌چون و چرا	بین‌پل گفت که ما در بالادست رودخانه سوار کلک بودیم. سه‌پایه‌ای، وسیله‌ی ما را خرد کرد و جریان آب، ما را به این‌جا کشاند. هانس سری تکان داد و گفت بدبختی به‌سر وقت همه می‌آید. دوسال پیش یک نوع بیماری بین مرغ‌های من شیوع پیدا کرد و فقط سه تا از آن‌ها، جان سالم به‌در بردند.
تعیین‌شدگی	به محلی که نور آبی می‌تابد بروید. این نور شما را به‌جایی می‌رساند که در آن دیگر انسان‌های برده، شما را از نظر کارهایی که باید بکنید، هدایت می‌کنند. از نور آبی پیروی کنید.
تعیین‌شدگی	می‌توانستیم به محل اجتماع دیگر ساختمان‌ها هم برویم، ولی با تقبل این خطر که در همان حین، اربابی برده‌ی خود را بخواند و هیچ‌کس این خطر را قبول نمی‌کرد؛ نه به علت ترس از تنبیه، بلکه به این علت که کلاhek‌داران به هیچ‌وجه تصور دورشدن از ارباب را به مغز خود راه نمی‌دادند.
تعیین‌شدگی	از من دعوت کردند که از زیبایی‌های آن‌جا ستایش کنم و من از سر وظیفه چنین کردم. زشت و ناهنجار بود.
تعیین‌شدگی	انسانی که کلاhek می‌گذارد، می‌داند که امور مربوط به اربابان جزو رمزها و اسرار است و دانستن آن‌ها برای انسان‌ها خوب نیست.
تعیین‌شدگی	این عجیب بود که تو از حرف‌هایی که برایت زدم و ممنوع بود نترسیدی. همان‌طور که گفتم، موجود عجیبی هستی و بعداً در خفا در پناهگاهت همه‌ی آن حرف‌ها را یادداشت کردی... کلاhek باید این کار را کاملاً ممنوع کند.

جمله‌ها

نام مؤلفه	عبارت متنی
تعیین‌شدگی	او غیر از مطالب مربوط به خطرها و دستورها، چیزی نمی‌گفت.

۳-۷. برکه‌ی آتش

۱-۳-۷. خلاصه‌ی داستان

این داستان در ادامه‌ی داستان قبلی است. وقتی بین‌پل و ویل به کوه‌های سفید برمی‌گردند، متوجه می‌شوند که ساکنان آن به محل جدیدی کوچ کرده‌اند. آن‌ها به کمک راهنما به آن‌جا می‌روند. ویل، اطلاعات خود را در اختیار بقیه قرار می‌دهد. فریتس پس از مدتی از شهر سه‌پایه‌ها فرار می‌کند. یولیوس، ویل و فریتس و دیگران را مأمور می‌کند که برای جذب نوجوانان به گروهشان به شهرهای مختلف سفر کنند. ویل و فریتس پس از طی مسیری پرماجرا نزد یولیوس باز می‌گردند. بین‌پل به کمک دانشمندان دیگر موفق می‌شود، وسایل جدیدی را برای شکست سه‌پایه‌ها اختراع کند. نیروهای یولیوس به سه شهر سه‌پایه‌ها حمله می‌کنند و موفق می‌شوند دو شهر را نابود کنند. برای شکست دادن شهر سوّم، ماموریت هواپیماها با شکست مواجه می‌شود تا این‌که با به‌کارگیری بالون و جان‌فشانی هنری، شهر سوّم نیز نابود می‌شود. پس از این، تولیدات صنعتی جای تولیدات دستی را می‌گیرد و زندگی رو به مکانیکی شدن می‌گذارد. بین‌سپاه یولیوس تفرقه ایجاد می‌شود و توطئه‌چینان یولیوس را از کار برکنار می‌کنند. ویل، بین‌پل و فریتس، تصمیم می‌گیرند برای ایجاد صلحی پایدار، افراد ملّت‌های مختلف را با هم متحد سازند.

۲-۳-۷. کل متن

در این داستان به مؤلفه‌های از خود بیگانگی زیر پرداخته شده است: پذیرش بی‌چون و چرا، توده‌ای شدن، تعیین‌شدگی، ماده‌زدگی

پاراگراف‌ها:

نام مؤلفه	عبارت متنی
پذیرش بی‌چون و چرا	کلاهدک تور سیمی بود که به جمجمه چسبیده بود و صاحب آن را کاملاً مطیع اراده‌ی حاکمان بیگانه، می‌ساخت.
توده‌ای شدن	مغزهای کلاهدک‌داران برده‌ی موجوداتی بیگانه است که با آن‌ها مانند گله‌ی گوسفندها رفتار می‌کنند

تعیین شدگی	بیش از این کاری نمی‌توانستیم بکنیم و خود را به دست تقدیر می‌سپردیم و در راهی که یولیوس برایمان تعیین کرده بود، هم‌چنان پیش می‌رفتیم.
تعیین شدگی	در زمان معینی ظاهر می‌شدند، صدای غرغش مانند مبهمی از خود در می‌آوردند و حرکات تعیین‌شده‌ای را انجام می‌دادند.
تعیین شدگی	آن‌ها موجوداتی هستند که به کار یکنواخت و تکراری عادت کرده‌اند و معمولاً راه معینی را طی می‌کنند.
پذیرش بی‌چون و چرا، تعیین شدگی	در کرجی ارل کونینگ، فریتس مانند هر جای دیگر، دستورها را دقیق و بی‌پرسش انجام می‌داد و به این راضی بود که هر چیز دیگری را که خارج از وظیفه‌اش باشد، به مافوقش واگذار کند.
پذیرش بی‌چون و چرا	همیشه در برابر همه‌ی آزمایش‌ها و خونگیری‌ها تسلیم بود و در دوربین چنان خیره می‌شد که گویی همه‌ی این وقایع بر دیگری می‌گذرد نه بر او.
توده‌ای شدن	من گفتم درست است، آن‌ها صلح آوردند اما چه صلحی؛ صلح در میان گله‌ی حیوانات اهلی
ماده‌زدگی	در هر جای سرزمین‌های به اصطلاح متمدن، صدای رادیو شنیده می‌شد و برای تلویزیون، بی‌صبری عظیمی وجود داشت. من در سر راه خود برای آمدن به انجمن، از پدر و مادرم دیدار کردم و شنیدم که پدرم از کار گذاشتن یک کارخانه‌ی برقی در آسیاب، سخن می‌گفت. این چیزی بود که بیش‌تر مردم می‌خواستند اما من نمی‌خواستم. من به سرزمینی که در آن، به دنیا آمده و بزرگ شده بودم، فکر می‌کردم؛ سرزمین دهکده‌ها و شهرهای کوچک، سرزمین زندگی آرام، منظم، بی‌مزاحمت، بی‌شتاب و طرح‌ریزی‌شده از روی نمونه‌ی فصل‌ها و طبیعت.

جمله‌ها

نام مؤلفه	عبارت متنی
پذیرش بی‌چون و چرا	من دستور را رعایت می‌کنم، آن هم به سرعت
پذیرش بی‌چون و چرا	او با لحن کسی سخن می‌گفت که انتظار دارد از او اطاعت کنند و دستور او بی‌چون و چرا پذیرفته شود.
پذیرش بی‌چون و چرا	آن‌ها به گونه‌ای که برای انسان‌ها فهمیدنی نیست، در برابر سرنوشت تسلیم می‌شوند.

۴-۷. مومو

۴-۱. خلاصه‌ی داستان

شخصیت اصلی داستان دختر بچه‌ای به نام مومو است که در خرابه‌های آملی تئاتر زندگی می‌کند. به دلیل توانایی منحصر به فرد مومو در گوش دادن به حرف‌های دیگران، هر زمان مشکلی برای کسی پیش می‌آید، نزد مومو می‌آید. همه‌ی مردم با هم رابطه‌ی دوستانه و همدلانه دارند تا این که مردان خاکستری پوش از راه می‌رسند. این افراد با فریفتن مردم به مال‌اندوزی و فردگرایی موجب می‌شوند حس همدلی میان انسان‌ها از بین برود و افراد تبدیل به موجوداتی بی‌روح و خودپرست شوند که جز مادیات چیزی برایشان مهم نیست. مومو با کمک جی جی که در داستان‌سرایی تبخّر دارد و بیوی رفتگر و کودکانی که به دیدنش می‌آمدند، تصمیم می‌گیرد تا با مردان خاکستری پوش مبارزه کند اما مردان خاکستری پوش با ایجاد افکار مادی‌گرایانه در جی جی و بیو و والدین بچه‌ها تمام یاران مومو را از وی جدا می‌کنند. مومو با راهنمایی لاک‌پشت، استاد زمان، به خانه‌ی وی راه می‌یابد. استاد زمان، نقشه‌ای را برای نابودی مردان خاکستری پوش طراحی می‌کند و مومو مسئول اجرای آن می‌شود. مومو با کمک لاک‌پشت موفق به اجرای نقشه می‌شود و با نابودی مردان خاکستری پوش اوضاع به حالت پیشین برمی‌گردد.

کل متن:

در این داستان به مؤلفه‌های از خودبیگانگی زیر پرداخته شده است: توده‌ای شدن، پذیرش بی‌چون و چرا، ماده‌زدگی، تعیین‌شدگی
همچنین یک مؤلفه‌ی جدید در این داستان مشخص شد که عبارت است از:
نقص پوشانی: فرد کاستی‌های خود را در مقایسه با دیگران نقص پنداشته که در این وضعیت همه‌ی کوشش فرد در جنبه‌های مختلف زندگی بر آن است که تا حدّ ممکن این کاستی‌ها را از نظر دیگران پنهان داشته و خود را انسان کاملی نشان دهد. به عبارتی این حالت فرد را از معرفی خود، آن‌گونه که هست، باز داشته و فرد را به ارائه‌ی تصویری ساختگی از خویش وامی‌دارد.

پاراگراف‌ها:

نام مؤلفه	عبارت متنی
توده‌ای شدن	اگر کسی فکر می‌کرد زندگی‌اش کاملاً بوج و بی‌معنی است و تنها یکی از میلیون‌هاست که اهمیت و ارزشی ندارد و کس دیگری می‌تواند به‌راحتی جایش را پر کند، درست مثل کاسه‌ی شکسته‌ای که به سادگی دورانداخته می‌شود، آن وقت بود که به سراغ مومو می‌رفت.
ماده‌زدگی	شما روزانه یک ساعت به دیدار دوشیزه داریا می‌روید تا فقط برایش دسته گلی بپسندید. برای چه؟ فوزی گفت: ولی اون از این کار خوشحال میشه. - فقط همین؟
ماده‌زدگی	اگر بخواهید می‌توانید از همین امروز شروع کنید. خودتان متوجه می‌شوید که چقدر سودبخش است. فوزی فریاد زد: چه جورم می‌خوام.
ماده‌زدگی	به‌جای نیم‌ساعت فقط ربع‌ساعت وقت صرف هر مشتری کنید. اوقاتی را که پیش مادر پیرتان می‌گذرانید، به نیم‌ساعت تقلیل دهید. اصلاً بهتر است که او را به یک استراحتگاه خوب و ارزان‌قیمت مخصوص پیران بسپارید. طوطی بی‌خاصیتان را از سر باز کنید.
ماده‌زدگی	اولین مشتری سر رسید. فوزی عبوسانه دست به کار شد. کار نیم‌ساعته را در مدت بیست دقیقه به انجام رساند. از آن به بعد، کار برای او دیگر شادی‌بخش نبود اما این موضوع به‌نظرش هرگز اهمیتی نداشت. برای هر کار، وقتی مقدر کرد. به دوشیزه داریا نامه‌ای رسمی و کوتاه نوشت و متذکر شد، به‌علت کمبود وقت نمی‌تواند به ملاقاتش برود. طوطیش را به پرنده‌فروش فروخت و مادرش را هم به یکی از خانه‌های کهن سالان سپرد. خلاصه این که تمام توصیه‌های مرد خاکستری‌پوش را به‌کار می‌بست ولی می‌پنداشت که این‌ها تصمیم‌شخص خود اوست.
توده‌ای شدن	از آن‌جا که دیدار مرد خاکستری‌پوش را به‌خاطر نمی‌آورد، می‌بایست خودش می‌پرسید که این همه وقت، به کجا می‌رود ولی او نیز همانند دیگر پس‌اندازکنندگان وقت از خود چنین پرسشی نمی‌کرد. چیزی چون خودداری کورکورانه وجودش را تسخیر کرده بود.
ماده‌زدگی	این که کسی کارش را با عشق و علاقه انجام بدهد، اصلاً اهمیتی نداشت. برعکس، این خود موجب اتلاف وقتشان هم می‌شد. مهم این بود که همه، در کم‌ترین مدت ممکن، از کارشان بیش‌ترین بهره را ببرند.
ماده زدگی،	ابداً این زحمت را به خودشان ندادند که خانه‌ها را مطابق سلیقه‌ی آدم‌هایی

توده‌ای شدن	بسازند که درشان زندگی می‌کنند. چون آن وقت ظاهر خانه‌ها هم بایستی تنوع پیدا می‌کرد. در صورتی که ساختن خانه‌های یکنواخت، هم ارزان تر بود و هم وقت کم تری می‌گرفت.
تعیین شدگی	با وسعت گرفتن شهر، خیابان‌ها هم دراز و درازتر شدند و از شمال به جنوب و از غرب به شرق تا افق ادامه یافتند. کویری از نظم و ترتیب. زندگی مردم هم به همین روال شکل گرفته بود؛ با نظم و ترتیب و مستقیم تا افق. همه چیز حساب شده و با نقشه‌ی قبلی بود. هر لحظه و هر قدمش.
تعیین شدگی، شدن توده‌ای	ماریا گفت: وقتی از خونه برمی‌گردم، غذامونو گرم می‌کنم و بعد کارای مدرسو انجام می‌دم. بعدش همین طوری این‌ور و اون‌ور می‌گردم تا شب بشه. گاهی هم میام این‌جا. همه‌ی بچه‌ها سرشان را تکان دادند، چرا که وضع همه‌شان کم و بیش، همان‌طور بود.
ماده زدگی	قدیما مردم خیلی دوست داشتن پیش مومو بیان که اون به حرفاشون گوش بده اما حالا دیگه اصلا به این فکر نمی‌کنن. قدیما مردم پیش من میومدن تا براشون داستان بگم اما حالا به اینم فکر نمی‌کنن.
تعیین شدگی	اون‌جا همه چیز از روی نقشه هست. هر کار کوچکی، هر حرکتی از روی نقشه هست.
ماده زدگی	آدم حالش به هم می‌خوره اما به من چه مربوطه. من پولمو میگیرم. همین و بس. قدیما من طور دیگه‌ای بودم. به کارم افتخار می‌کردم ولی حالا... به روز که به اندازه‌ی کافی پول در آوردم کارمو ول می‌کنم و یه کار دیگه شروع می‌کنم.
ماده زدگی	تا موقعی که اونا، اون پیرمردای ژنده‌پوش با صورت‌های اصلاح‌نکرده، گوشه‌ی کافه نشستن، سر و کله‌ی هیچ آدم درست و حسابی پولداری، توی کافه پیدا نمیشه. تازه از یه لیوانی که اونا سرتاسر شب جلوی هم میذاشتن، هیچی عایدمون نمیشه.
ماده زدگی	تنها چیزی که در زندگی اهمیت داره اینه که آدم کاری بکنه و خودشو به جایی برسونه و صاحب یه چیزی بشه. هرکس این کارو کرد، هرکس به جایی رسید و بیش‌تر از دیگرون دارایی داشت، چیزیای دیگه خودبه‌خود به سراغش میاد.
توده‌ای شدن	جی‌جی دیگه نزدیک آمفی‌تئاتر زندگی نمی‌کرد. خان‌هاش در سمت دیگه شهر بود. همان‌جا که مردم ثروت‌مند زندگی می‌کنند. او دیگه خود را نه جی‌جی، بل جیرولامو می‌نامید.
تعیین شدگی	من اصلا وقت ندارم و باید تا امروز ظهر تمام این فرم‌ها را پر کنم.

ماده زدگی	ما به جای آنکه بچه‌هایمان را برای دنیای فردا آماده‌کنیم، هنوز هم که هنوز است اجازه می‌دهیم، سال‌ها از وقت گران‌بهایشان را با بازی‌های بیهوده هدر بدهند و این برای تمدن ما شرم‌آور است.
ماده زدگی	بازی‌ها، توسط سرپرستان پرورشگاه به آن‌ها دیکته می‌شد و بازی‌هایی بود که می‌بایست سودمند و آموزنده باشد.
توده‌ای شدن	هر سه‌تایی قیافه‌هایشان پاک تغییر کرده بود. لباس‌های متحدالشکل خاکستری‌رنگ به تن داشتند و رنگ چهره‌هایشان مات، مثل رنگ و روی مرده بود.
تعیین شدگی	داریا گفت: این چیزها که مهم نیست و تازه از این جور حرف‌ها که نباید گفت.
توده‌ای شدن	دور و بر آن‌ها، بچه‌های دیگری هم دیده شدند که وارد پرورشگاه می‌شدند. همگی شان شبیه دوستان مومو بودند.
توده‌ای شدن	آدما با چهره‌ی خاکستری و خالی از هر نشاطی در شتابند و درست عین مردان خاکستری‌پوش میشن. آره، اونوقت دیگه آدمی هم یکی از هموناست.
ماده زدگی	آقایان باید گفت که تعدادمان زیاد است و ناچاریم از تعداد جمعیت‌مان تا آن‌جا که می‌توانیم بکاهیم. این حکم عقل و منطق است.
پذیرش بی‌چون و چرا	آهی از نهاد بازماندگان برخاست ولی هیچ‌کس در برابر دستور مقاومتی نکرد.
توده‌ای شدن	هرجا که پا بذاری، از این جور آدم‌ها رو می‌بینی. تعدادشون روز به روز زیادتر میشه.

جمله‌ها:

نام مؤلفه	عبارت متنی
پذیرش بی‌چون و چرا	برای افراد ملت تفاوتی نمی‌کرد که چه کسی بر آن‌ها حکومت می‌کرد.
پذیرش بی‌چون و چرا	شاهزاده جیرولامو، فکر نکرده جواب داد: شرط تو را می‌پذیرم.
ماده‌زدگی	اگر شما قبل از پنج‌سال پس‌اندازتان را از ما نگیرید، همین مقدار را به‌صورت بهره‌ی اضافه، به شما می‌دهیم.
ماده‌زدگی	من، حال خیلی بیش‌تر از قبل پول توجیبی می‌گرفتم.
پذیرش بی‌چون و چرا	پائولو با صدایی آهسته گفت: بابا و مامانم که دروغ نمی‌گویند.

چرا	
توده‌ای شدن	آهسته آهسته کودکان هم، قیافه‌های پس اندازکنندگان کوچولوی وقت را پیدا کردند.
پذیرش بی چون و چرا	اخم آلود بی حوصله و با روحیه‌ای خصمانه، هر چه از آن‌ها خواسته می‌شد، انجام می‌دادند.
ماده‌زدگی	پائولو جواب داد: مهم اینه که برای آینده فایده داشته باشه.
تعیین شدگی	اگر کاسیوپایا از آینده خبر دارد، پس باید همان‌طور شود.

۷-۵. اما فردیناند این کار را نکرد

۷-۵-۱. خلاصه‌ی داستان

داستان درباره‌ی گوساله‌ای به نام فردیناند است که در مزرعه‌ای کنار دیگر گوساله‌ها زندگی می‌کند. اما رفتاری متمایز از آن‌ها دارد؛ به این صورت که بر اساس علایقش عمل می‌کند و شهرت برایش جایگاهی ندارد. روزی گاوبازان به مزرعه می‌آیند و به‌طور اتفاقی متوجه فردیناند می‌شوند و آن را با خود به میدان مسابقه می‌برند. برخلاف انتظار همه، فردیناند در گوشه‌ای، آرام می‌نشیند و گل‌ها را بو می‌کند. به همین دلیل گاوبازها مجبور می‌شوند تا فردیناند را به مزرعه برگردانند.

۷-۵-۲. کل متن

در این داستان به مؤلفه‌های از خود بیگانگی زیر پرداخته شده است: توده‌ای شدن، تعیین شدگی

پاراگراف‌ها:

نام مؤلفه	عبارت متنی
توده‌ای شدن، تعیین شدگی	او به فردیناند می‌گفت: پسرکم، تو چرا با بقیه، بازی نمی‌کنی؟ چرا مثل بقیه این طرف و آن طرف نمیدوی و با آن‌ها نمی‌جنگی؟
تعیین شدگی	آن‌ها فکر می‌کردند که هم‌اکنون فردیناند با خشونت به هر سو می‌دود و می‌پرد و می‌جنگد و شاخ می‌کوبد.

۶-۷. روزی که زرافه‌ی من گلو درد شد

۱-۶-۷. خلاصه‌ی داستان

داستان درباره‌ی پسر بچه‌ای است که با خمیربازی شکل‌های مختلفی می‌سازد. یک‌بار زرافه و خانه‌ای برای آن درست می‌کند. از آن‌جا که سر زرافه خارج از لانه است، زرافه سرما می‌خورد. پسر بچه او را به نزد دکتر می‌برد. پس از توصیه‌های دکتر، زرافه خوب می‌شود. در مقابل پدر بچه او را مدام به انجام تکالیفش وا می‌دارد و هر لحظه برایش تعیین تکلیف می‌کند. در پایان مشخص می‌شود که هر بار که خمیربازی به حالت اولش در می‌آید، بخشی از آن روی زمین می‌ریخت و از مقدارش کاسته می‌شد.

۲-۶-۷. کل متن

در این داستان به مؤلفه‌ی از خودبیگانگی زیر پرداخته شده است: تعیین‌شدگی

پاراگراف‌ها

نام مؤلفه	عبارت متنی
تعیین‌شدگی	در اتاق باز شد و پدر سرش را آورد تو: - مشق‌هایت تمام شد؟

جمله‌ها:

نام مؤلفه	عبارت متنی
تعیین‌شدگی	آهای بچه: مشق‌هایت تمام شد؟
تعیین‌شدگی	آهای بچه، چی شد؟- باز هم پدرم بود.

۱-۸. روندهای از خودبیگانگی در داستان‌های نوجوان

۱-۱-۸. داستان‌های کوه‌های سفید، شهر طلا و سرب، برکه‌ی آتش

از آن‌جا که این سه کتاب داستان در ادامه‌ی هم نوشته شده است و در واقع یک موضوع را دنبال می‌کند، از خودبیگانگی مطرح شده در این داستان‌ها را می‌توان در قالب یک روند بیان کرد که به شرح زیر است: گذار از روح فردی (وجدان فردی) به جمع‌گرایی افراطی (توده‌ای شدن): فرد در آغاز، بر مبنای افکار و خواسته‌های درونی‌اش اقدام می‌کند، قدرت اندیشه‌ی مستقل را دارد.

زیر تأثیر تبلیغات گروه مسلط جامعه، فرد، فریب ظاهر زیبا و فریبنده‌ی قالب‌هایی را می‌خورد که برای استفاده‌ی ابزاری از افراد جامعه، تدارک دیده شده است. این تأثیرگذاری به گونه‌ای است که فرد آن‌چنان می‌اندیشد که گروه مسلط جامعه می‌خواهد؛ زیر فرمان هدایت گروه مسلط قرار گرفته، مطیع و فرمان‌بردار آن می‌شود و از در سازش با آن‌ها بر می‌آید. در این شرایط، فرد ماهیت اولیه‌ی خود را به‌طور کامل از دست داده، ماهیت جدیدی می‌یابد که از قبل برای وی تعریف شده است؛ ابتدا در مقابل شرایط جدید مقاومت کرده اما به تدریج با کاهش یافتن حساسیت اولیه‌اش، ماهیت جدید خود را به‌طور کامل می‌پذیرد و راه‌گزینی از این وضعیت برای خود نمی‌بیند.

از این رو، فرد وجود منحصر به فرد خود را از دست داده، توده‌ای می‌شود و قدرت پیشبرد عقاید و اندیشه‌های خود را از دست می‌دهد؛ به طرز عجیبی به گروه حاکم وابسته شده و هر چیزی را که به وی دیکته می‌شود، می‌پذیرد. گروه مسلط، نیازهای جدیدی را برای فرد، تعریف کرده، فرد خود را ملزم به برآورده ساختن این نیازها می‌داند. فرد ظاهراً آزاد است اما هرگامی که بر می‌دارد، بر مبنای برنامه‌ی از پیش تعیین شده‌ای می‌باشد. گروه مسلط، آن‌چنان برای فرد مقدس جلوه می‌کند که وی به پرستش آن روی آورده، وجودش تهی شده و همه‌ی موجودیت خود را در گروه مسلط می‌یابد و خود را وقف آن می‌کند؛ تا جایی که فرد تمام روح و جسم خود را متعلق به این گروه دانسته، ابزاری در دست آن می‌شود و تا زمانی که منافع آن‌ها را تأمین می‌کند، حق حیات دارد.

۸-۱-۲. مومو

گذار از روح جمعی (همدلی) به فردگرایی افراطی (خودمرکزبینی): فرد ابتدا در اجتماع حضور داشته، با دیگران حس همدلی و همدردی دارد. برای دیگران وقت گذاشته و برای احساسات درونی‌اش ارزش قایل است.

زیر تأثیر تبلیغاتی که مدام، فرد را از نیازهای درونی‌اش بازداشته و نیازهای ساختگی را که سرمنشأ همه‌ی آن‌ها بهره‌وری هرچه بیش‌تر از مادیات است، ترویج می‌دهد. به تدریج روح جمعی خود را از دست داده، گرفتار فردیت افراطی و بندگی

امیال شخصی می‌شود که در این وضعیت، فرد تنها منافع مادی خود را دنبال کرده و ارزش‌های انسانی در وی تهی گردیده، در برخورد با دیگران تنها سودمندی خویش را ملاک قرار می‌دهد.

در درون فرد، گودالی از مظاهر ماده‌زدگی ایجاد شده، فرد به بندگی مادیت کشیده می‌شود و تمام نیروی وی صرف پرکردن این گودال می‌گردد. در چنین شرایطی، فرد آزادی خود را از دست داده و خود را وقف گوادال مادیت می‌کند؛ گودالی که هر چه بیش‌تر در آن ریخته شود، به‌جای پرکردن آن، بر عمقش می‌افزاید؛ تا آن‌جا که فرد توانایی بازیابی خود را از دست می‌دهد. فرد شرایط به‌وجودآمده را عادی فرض می‌کند و راهی برای برون‌رفت از این وضعیت نمی‌یابد. ویژگی‌های کیفی فردی از جمله ذوق هنری و خلاقیت‌های فردی و حس همدردی در وی فرو می‌کاهد و ویژگی‌های کمی از جمله اعداد و ارقام مربوط به زمان عینیت‌یافته و حساب بانکی و همچنین نگاه حساب‌گرانه در فرد توسعه می‌یابد. به‌طور خلاصه، حرکت از ماده‌زدگی آغاز شده و به تحریف آزادی فرد منتهی می‌شود.

۸-۱-۳. روندهای از خودبیگانگی در داستان‌های کودک

طرح مفهوم از خودبیگانگی در داستان‌های کودک در قالب روند مشخصی بیان نشده است و تنها در داستان *اما فردیاند/ این کار را نکرد می‌توان روند از خودبیگانگی را* بازشناخت.

گذار از روح فردی (وجدان فردی) به جمع‌گرایی افراطی (توده‌ای‌شدن): فرد در آغاز کودکی، بر اساس علایق خود به فعالیت می‌پردازد. اعمالش منحصر به فرد بوده و مسیر موردنظر خود را می‌پیماید اما توصیه‌های بزرگسالان، همواره از فرد می‌خواهد که به‌گونه‌ای ویژه که در جامعه متداول است، رفتار کرده، خود را در جهت هرچه بهتر به‌فروش‌رسیدن در بازار کار آماده کند.

از این‌رو، دنیای کودکی از کودک گرفته شده و دنیای صرفاً مادی بزرگسالان، بر وی حاکم شده و کودک همه‌ی عمرش را صرف رفع نیازی می‌کند که از سوی بزرگ‌ترها، برای وی تدارک دیده شده است. در این وضعیت، فرد ماهیت اولیه‌ی خود را از دست داده، با دیگران یک‌شکل شده و توده‌ای می‌گردد.

۹. مقایسه‌ی داستان‌ها

۹-۱. ناهمانندی‌های داستان‌های گروه سنی کودک و نوجوان در طرح مفهوم ازخودبیگانگی

در کتاب‌های کودک، بیش‌تر، تأکید روی جدایی دنیای بزرگسالان و کودکان بوده و بحث دیگرفرمانی و مسلط‌شدن فرهنگ بزرگسالان بر طبیعت کودکان مطرح است. این در حالی است که تمرکز اصلی در داستان‌های نوجوان بر روی پدیده‌های شایع دنیای مدرن، شامل تبلیغات رسانه‌ای، ماده‌زدگی، بازاری‌شدن، ماشینیسم و ابزارشدگی است. در کتب نوجوان، دو جریان گذار از روح فردی (وجدان فردی) به جمع‌گرایی افراطی (توده‌ای‌شدن) و گذار از روح جمعی (همدلی) به فردگرایی افراطی (خودمرکزبینی) دیده می‌شود. این درحالی است که در داستان‌های کودک، تنها به جریان گذار از روح فردی (وجدان فردی) به جمع‌گرایی افراطی (توده‌ای‌شدن) و آن هم به صورت محدود، پرداخته شده است. در گروه سنی کودک، مقوله‌ی تعیین‌شدگی وجه غالب است. در حالی که در گروه سنی نوجوان، مقوله‌های پذیرش بی‌چون و چرا و توده‌ای‌شدن وجه غالب است.

۹-۲. همانندی‌های داستان‌های گروه سنی کودک و نوجوان در طرح مقوله‌ی ازخودبیگانگی

در هر دو گروه سنی، به مسئله‌ی حساسیت‌زدایی پرداخته شده است که بر اساس آن، فرد به مرور حساسیت خود را نسبت به عقاید و خواسته‌های درونی‌اش از دست می‌دهد و عقلانیت افراطی که شامل نگاه شدید حساب‌گرانه و کمی نسبت به جریان‌ات اطراف است، جایگزین آن می‌شود.

در هر دو گروه سنی، افرادی که به عنوان افراد ازخودبیگانه معرفی شده‌اند، یک گذار از ماهیت اولیه‌ی خود به ماهیت ثانویه را طی کرده و به تدریج وضعیت از خودبیگانگی را به طور کامل می‌پذیرند و بر این مبنا دست به عمل می‌زنند. در هر دو گروه سنی به مقوله‌ی ماده‌زدگی به میزان زیادی توجه شده است. در داستان‌های هر دو گروه سنی، ازخودبیگانگی به عنوان حالتی مداوم و نه مقطعی معرفی شده است.

در بیش‌تر داستان‌های مطرح‌شده در هر دو گروه سنی، بزرگ‌سالان به‌عنوان افرادی که مقهور حالت ازخودبیگانگی هستند، نشان داده شده‌اند و کودکان به‌عنوان افرادی که در مقابل حالت ازخودبیگانگی، از خود مقاومت نشان داده و به‌مقابله با این حالت برخاسته و به‌عنوان دشمن اصلی تدارک‌بینندگان عوامل بیگانه‌ساز جامعه، معرفی شده‌اند.

۱۰. نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش نخست پژوهش، با بهره‌گیری از روش تحلیل قیاسی مایرینگ، ضمن برشماری مؤلفه‌هایی که در کل داستان به آن‌ها پرداخته شده بود، عبارات متنی که به مؤلفه‌های ازخودبیگانگی اشاره داشت، در قالب جمله و پاراگراف استخراج شد و به‌صورت جدول، نشان داده شد. مسیری که پژوهش‌گر در این قسمت به کار گرفت به این صورت بود که ابتدا کل داستان را بررسی کرد تا نشان دهد اندیشه‌ی اصلی نویسنده دربرگیرنده‌ی چه مؤلفه‌هایی است. بعد از آن، پاراگراف‌ها را به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفت و در پایان جمله‌ها را واحد تحلیل خود قرار داد. به‌سختی دیگر، یک حرکت از کل به جزء در تحلیل داده‌ها، موردنظر بوده است. در این بخش، محقق جمله‌ها را فراتر از پاراگراف، به‌عنوان واحد مستقل مورد توجه قرار داد. در استخراج مؤلفه‌ها در قالب جمله، پژوهش‌گر همه‌ی جمله‌های داستان‌ها را به‌عنوان واحد تحلیل خود مد نظر داشته و جمله‌هایی را که به مؤلفه‌ی ازخودبیگانگی پرداخته، مشخص کرد و در قالب پاراگراف، تمام پاراگراف‌های داستان را به‌عنوان واحد تحلیل موردنظر داشته است و ضمن مشخص کردن پاراگراف‌هایی که مقوله‌ی ازخودبیگانگی در آن‌ها مطرح بوده، جمله‌هایی را به‌عنوان شواهد مقوله‌ی ازخودبیگانگی، از کل پاراگراف استخراج کرد تا برای تحلیل از آن‌ها استفاده شود.

در پاسخ به پرسش دوم، پژوهش‌گر به برشماری درون‌مایه‌های داستان‌های کودک و نوجوان پرداخته، داستان‌های دو گروه سنی کودک و نوجوان را به‌عنوان واحدهای مقایسه موردتوجه قرار داد. جهت‌های مقایسه، همان درون‌مایه‌های اصلی مطرح‌شده در داستان‌های دو گروه سنی بودند. به‌طورکلی، میزان پردازش به پدیده‌ی ازخودبیگانگی

در داستان‌های بررسی شده، در گروه سنی نوجوان به مراتب گسترده‌تر و عمیق‌تر از گروه سنی کودک است.

در بررسی روندهای از خودبیگانگی در داستان‌های مورد بحث، با بهره‌گیری از روش تحلیل استقرایی، دو روند کلی گذار از روح فردی (وجدان فردی) به جمع‌گرایی افراطی (توده‌ای شدن) و گذار از روح جمعی (همدلی) به فردگرایی افراطی (خودمرکزبینی) مشخص شد که در داستان‌های نوجوان به هر دو روند و در داستان‌های کودک، تنها به روند اول پرداخته شده است. پژوهش‌گر در این قسمت با دیدی اکتشافی به بیان چگونگی چیدمان مؤلفه‌ها از سوی نویسنده، که در پایان به از خودبیگانگی فرد منجر می‌شود، پرداخته است.

در مقایسه‌ی پژوهش پیش رو با پژوهش‌های انجام شده، پژوهش‌های پیشین در این حوزه، تنها به بررسی نظرات اندیشمندان و مقایسه‌ی موجزی از آرای آنان پرداخته اند؛ در حوزه‌ی ادبیات، تنها در ادبیات بزرگسال به مسئله‌ی از خودبیگانگی توجه شده است و در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، بررسی تحلیلی در این زمینه صورت نگرفته است.

۱۲. پیشنهادهای پژوهشی

با توجه به این که یکی از منابعی که بر آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان تأثیر به‌سزایی دارد، کتاب‌های درسی است، لازم است که مطالب این کتاب‌ها؛ شامل متون، پرسش‌ها، تصویرها و دیگر بخش‌های مطرح شده، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های معرفی شده در این پژوهش مورد تحلیل قرار گیرد و از طرفی، عباراتی که از خودبیگانگی را در فرد نیرو می‌بخشند، کنار گذاشته شود و متونی، جهت معرفی پدیده‌ی از خودبیگانگی در این کتاب‌ها گنجانده شود. پیشنهاد می‌شود، پژوهشی پیمایشی، درباره‌ی میزان آشنایی نویسندگان کودک و نوجوان به مقوله‌ی از خودبیگانگی و مؤلفه‌های آن صورت گیرد.

۱۳. پیشنهادهای کاربردی

با توجه به این که پدیده‌ی از خودبیگانگی دارای درجاتی است که بستگی به میزان مؤلفه‌هایی دارد که در مورد رفتار و گفتار فرد صادق است، مؤلفه‌های مطرح شده در این

پژوهش، می‌تواند به‌عنوان معیاری برای ارزشیابی خود و اطرافیان، به منظور آگاهی از درجه‌ی ازخودبیگانگی مورد توجه قرار گیرد که لازم است، مؤلفان کتاب‌های درسی، تدوین‌کنندگان فلسفه‌ی آموزش و پرورش، معلمان و نویسندگان ادبیات کودک و والدین بیش‌تر از دیگر قشرها به این مسئله توجه کنند.

یادداشت‌ها

۱. این مؤلفه‌ها تنها بخشی از مجموعه‌ی مؤلفه‌هایی است که پژوهش‌گر در بررسی پیشینه‌ی انتقادی پایان‌نامه به آن دست یافته است؛ که مجموعه‌ی کامل مؤلفه‌ها در اصل پایان‌نامه‌ی پژوهشگر قابل‌بازبایی است.
۲. مرتضی خسرونژاد، لیلا مکتبی‌فرد و جواد فرزانه‌فر.

فهرست منابع

- انده، می‌شائل. (۱۳۶۳). مومو. ترجمه‌ی محمد زرین‌بال، تهران: ابتکار.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۷۷). «بیگانگی سازمانی و مدیریت». فصلنامه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره‌ی ۱۲۸، صص ۱-۲۴.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۳). روزی که زرافه‌ی من گلودرد شد. مشهد: به‌نشر.
- بشیری، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). «ازخودبیگانگی». فصلنامه‌ی معرفت، شماره‌ی ۹۱، صص ۷۱-۸۳.
- پاپنهایم، فریتس. (۱۳۸۷). ازخودبیگانگی انسان مدرن. ترجمه‌ی مجید مجیدی، تهران: آگه.
- دورکیم، امیل. (۱۳۵۹). تقسیم‌کار اجتماعی. ترجمه‌ی حسن حبیبی، تهران: حکم.
- روشن، امیر. (۱۳۸۶). «علی شریعتی و الیناسیون». فصلنامه‌ی پژوهش سیاست‌نظری، شماره‌ی ۴، صص ۱-۱۵.
- صبری‌دشتی، خسرو. (۱۳۸۰). «بیگانگی از کار در بخش‌های دولتی و خصوصی». فصلنامه‌ی صنعت بیمه، شماره‌ی ۶۳، صص ۱۰۷-۱۳۲.
- کریستوفر، جان. (۱۳۵۹). کوه‌های سفید. ترجمه‌ی ع. نوریان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۷۷). *برکه‌ی آتش*. ترجمه‌ی محمدرضا زمانی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۷۷). *شهر طلا و سرب*. ترجمه‌ی ثریا کاظمی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

لیف، مونرو. (۱۳۸۳). *اما فردیناند این کار را نکرد*. ترجمه‌ی طاهره آدین‌پور، تهران: علمی و فرهنگی.

مارکوزه، هربرت. (۱۳۵۰). *انسان تک‌ساحتی*. ترجمه‌ی محسن مویدی، تهران: امیر کبیر.

محسنی تیریزی، علیرضا (۱۳۸۱). «آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی و فرهنگی / بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های تهران». *فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره‌ی ۳۶، صص ۱۱۹-۱۸۲.

میلز، سی‌رایت. (۱۳۶۰). *بینش جامعه‌شناختی: نقدی بر جامعه‌شناسی آمریکایی*. ترجمه‌ی عبدالمعبود انصاری، تهران: خورازمی.

Blauner. Rabert. (1964). *Alienation and Freedom*. Chicago: University of Chicago Press

Guyton. B.hammond. (1965). *Man in Strangment*. Vanderlilt University Press

Mayring. Philip. (2000). "Qualitativ Content Analysis". *Forum Qualitative Social Forschung*. Volome 1. No.2 – june

Maykut. P. and Morehouse, R. (1994). *Beginning Qualitative Research*. London: The Falmer press.

Richard Smitt and Thomas E.moody. (1994). *Alienation and Social Criticism*. Newjersy: Newjersy Press

Schweitzer. David (1991). "Marxist Theories Of Alienation And Reification". *International Journal of Sociology and Social Policy*, Vol. 11 Iss: 6/7/8, pp.27 - 52 Walter

A.Weisskopf. (1971). *Alienation and Ecanomics*. Newyork: E.P.Duttonoco. inc. Newyork